

**نقدی بر مقاله‌ی « بازتاب فیلم قیصر بر سینما و جامعه ایران » و پاسخ آن سردبیر محترم روزنامه طلوع**

با سلام و خسته نباشید،

به استحضار می‌رسانند در روزنامه طلوع به شماره ۱۱۲۴ یکشنبه ۱۵ اسفند ۸۹ صفحه ۸ مطلبی با موضوع بازتاب فیلم قیصر به سینما و جامعه ایران قسمت ششم چاپ گردید که کارشناس محترم آن روزنامه با تعریف و تمجید بیجا از مثنی هنرپیشه لایبالی قیل از انقلاب که با فیلم هایشان در این مملکت مشغول ترویج فساد و فحشا و لودگی بوده قصد دارد سینما قبل از انقلاب با رونق جلوه دهد و سینما بعد از انقلاب را بی رونق در صورتی که چنین نیست افرادی که سن و سالشان اجازه دهد می‌دانند قبل از انقلاب ۷۰٪ از مردم از داشتن تلویزیون محروم بودند و به همین جهت همه به سینما روی می‌آوردند ولی در حال حاضر با این همه امکانات که وجود دارد مانند تلویزیون با کانال‌های مختلف و امکانات صوتی و تصویری، دیگر اکثر مردم دنیا رغبت زیادی به سینما ندارند و نباید عدم استقبال مردم از سینما را به بعد از انقلاب نسبت داد و با تعریف بی‌جا از مثنی هنرپیشه فاسد قبل از انقلاب برای مردم و به خصوص جوانان شبهه به وجود آورد، لذا انتظار می‌رود مسئولین محترم به موضوعات منتشره توجه بیشتری داشته تا به شعور فرهنگی و آگاهی مردم اهانت نشود.

**تقدیر تاریخی سینما، پاسخ به نقد آقای ناصر آباد**

مقاله‌ی من پژوهشی جامعه‌شناسانه، از سینمای ایران است! نمی‌دانم شما با قسمت ششم آن که در تاریخ ۸۹/۱۲/۱۵ روزنامه‌ی طلوع منتشر شد مشکل دارید، یا با همه‌ی آن؟ البته بهتر بود صبر می‌کردید تا تمام قسمت‌ها منتشر شود، بعد نقد خود را ارائه می‌دادید! با احترام به نظر شما، نکاتی را به عرض می‌رسانم!

- ۱- قصد من تعریف و تمجید از هنر پیشگان به قول شما لایبالی و فروش یا عدم فروش فیلمها نبود، بلکه یاد آور شدم: در بین تمام فیلمهایی که قبل از انقلاب ساخت شد، فروش گنج قارون به کارگردانی سیامک یاسمی و قیصر به کارگردانی مسعود کیمیایی، از همه بیشتر بود!
- ۲- استدلال شما، در مورد فروش فیلم، بی‌معنی است، چون فروش فیلم در اروپا و آمریکا به طور کلی، جهان روز به روز، بیشتر می‌شود و امکاناتی که نام بردید در آنجا بیشتر از اینجا است، ولی نتوانسته‌اید سینما را بگیرد!
- ۳- اکثر هنر پیشگان قبل از انقلاب، بعد از انقلاب هم در سینما ماندند و به فعالیت خود ادامه دادند، برای نمونه خانم پروانه مصووی که سال قبل در حضور رهبر انقلاب صحبت کرد یکی از آنهاست!
- ۴- اگر برخی از فیلم‌های قبل از انقلاب فاسد بوده، آنرا نباید به همه‌ی سینمای قبل از انقلاب نسبت داد، چون در آن زمان هم فیلم‌های خوب ساخته می‌شد، از جمله فیلم گاو که امام راحل (ره) از آن تعریف کرد، با اینکه فیلمنامه‌ی آن بر اساس داستانی از یک شخص بی‌بودن بود!
- ۵- شما مجازید نظر خودتان را اظهار کنید، ولی حق ندارید قلم مردم شوید و به جای آنها قضاوت کنید، شما چگونه دانستید که به آگاهی‌اش شعور مردم ایران اهانت شده؟ نقد شما از این باب غیر منطقی است و احساس به جای عقل حکم می‌کند!
- ۶- من از کودکی با سینما ارتباط داشته‌ام، فیلم‌های خارجی و اکثر فیلم‌های ایرانی قبل از انقلاب را دیده‌ام، نظرم راجع به سینما و تأثیر فیلم قیصر، این است که از مقاله‌ی آورده‌ام، شما هم نظر خودتان را بنویسید، قضاوت را به عهده‌ی مردم آگاه و شعور ایران بگذارید!
- ۷- از اینکه احساس مسئولیت کردی و نقد نوشتی، خوشحالم، اگر روی بقیه‌ی مطالب، یعنی از قسمت نهم تا پانزدهم، ایرادی هست بنویسید، در حد توان پاسخ می‌دهم، در ضمن، من کارشناس رسمی روزنامه‌ی طلوع نیستم، بلکه دوست آقای جعفری زاده و همکار افتخاری روزنامه‌ام.

محمد رحیمی



مواد مخدر جدید نیازی به ذغال و منقل ندارند و دودی از آنها بر نمی‌خیزد بلکه می‌تواند به شکل یک قرص، پاستیل و آدامس باشند که این روزها رواج زیادی یافته است.

استفاده آسان و بدون نیاز به مقدمه چینی، از ویژگی‌های اصلی موادمخدر جدید است که نمونه آن پان پراگ است که در بسته بندی‌های شبیه آدامس، پاستیل و قرص و بیشتر در طعم نعنائی ارایه می‌شود و به صورت مکیدنی یا جویدنی مورد استفاده قرار می‌گیرد.



فروش فیلمها نبود، بلکه یاد آور شدم: در بین تمام فیلمهایی که قبل از انقلاب ساخت شد، فروش گنج قارون به کارگردانی سیامک یاسمی و قیصر به کارگردانی مسعود کیمیایی، از همه بیشتر بود!

استدلال شما، در مورد فروش فیلم، بی‌معنی است، چون فروش فیلم در اروپا و آمریکا به طور کلی، جهان روز به روز، بیشتر می‌شود و امکاناتی که نام بردید در آنجا بیشتر از اینجا است، ولی نتوانسته‌اید سینما را بگیرد!

اکثر هنر پیشگان قبل از انقلاب، بعد از انقلاب هم در سینما ماندند و به فعالیت خود ادامه دادند، برای نمونه خانم پروانه مصووی که سال قبل در حضور رهبر انقلاب صحبت کرد یکی از آنهاست!

اگر برخی از فیلم‌های قبل از انقلاب فاسد بوده، آنرا نباید به همه‌ی سینمای قبل از انقلاب نسبت داد، چون در آن زمان هم فیلم‌های خوب ساخته می‌شد، از جمله فیلم گاو که امام راحل (ره) از آن تعریف کرد، با اینکه فیلمنامه‌ی آن بر اساس داستانی از یک شخص بی‌بودن بود!

شما مجازید نظر خودتان را اظهار کنید، ولی حق ندارید قلم مردم شوید و به جای آنها قضاوت کنید، شما چگونه دانستید که به آگاهی‌اش شعور مردم ایران اهانت شده؟ نقد شما از این باب غیر منطقی است و احساس به جای عقل حکم می‌کند!

من از کودکی با سینما ارتباط داشته‌ام، فیلم‌های خارجی و اکثر فیلم‌های ایرانی قبل از انقلاب را دیده‌ام، نظرم راجع به سینما و تأثیر فیلم قیصر، این است که از مقاله‌ی آورده‌ام، شما هم نظر خودتان را بنویسید، قضاوت را به عهده‌ی مردم آگاه و شعور ایران بگذارید!

از اینکه احساس مسئولیت کردی و نقد نوشتی، خوشحالم، اگر روی بقیه‌ی مطالب، یعنی از قسمت نهم تا پانزدهم، ایرادی هست بنویسید، در حد توان پاسخ می‌دهم، در ضمن، من کارشناس رسمی روزنامه‌ی طلوع نیستم، بلکه دوست آقای جعفری زاده و همکار افتخاری روزنامه‌ام.

محمد رحیمی

غیربهداشتی تهیه می‌شود و در بسته بندی‌های آلومینیومی و کوچک مانند (ساق، نمک‌های رستورانی) یا با عکس هنرپیشه‌های هندی، پاکستانی وارد می‌شود. این ماده که در واقع ترکیبی شبیه همان ماده مخدر معروف به ناس را دارد تا چند سال قبل در بسته‌های پلاستیکی به رنگ سبز تیره (شبیه حنا) وارد ایران می‌شد

**ترکیبات پان پراگ چیست؟**

پان پراگ از ترکیب تنباکو، آهک، خاکستر، ادویه‌های معطر، ساخارین و افزودنی‌های غیرمجاز خوراکی بسیار خطرناک مانند آرسنیک، کربنات منیزیم

**آیا می‌دانید پان پراگ چیست؟**  
(آدامس شادی آور)

طاهره قنبریان: کارشناس مسئول بهداشت روان مرکز بهداشت شهید پیرویان کازرون

موادمخدر جدید نیازی به ذغال و منقل ندارند و دودی از آنها بر نمی‌خیزد بلکه می‌تواند به شکل یک قرص، پاستیل و آدامس باشند که این روزها رواج زیادی یافته است.

استفاده آسان و بدون نیاز به مقدمه چینی، از ویژگی‌های اصلی موادمخدر جدید است که نمونه آن پان پراگ است که در بسته بندی‌های شبیه آدامس، پاستیل و قرص و بیشتر در طعم نعنائی ارایه می‌شود و به صورت مکیدنی یا جویدنی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فروش فیلمها نبود، بلکه یاد آور شدم: در بین تمام فیلمهایی که قبل از انقلاب ساخت شد، فروش گنج قارون به کارگردانی سیامک یاسمی و قیصر به کارگردانی مسعود کیمیایی، از همه بیشتر بود!



استدلال شما، در مورد فروش فیلم، بی‌معنی است، چون فروش فیلم در اروپا و آمریکا به طور کلی، جهان روز به روز، بیشتر می‌شود و امکاناتی که نام بردید در آنجا بیشتر از اینجا است، ولی نتوانسته‌اید سینما را بگیرد!

اکثر هنر پیشگان قبل از انقلاب، بعد از انقلاب هم در سینما ماندند و به فعالیت خود ادامه دادند، برای نمونه خانم پروانه مصووی که سال قبل در حضور رهبر انقلاب صحبت کرد یکی از آنهاست!

اگر برخی از فیلم‌های قبل از انقلاب فاسد بوده، آنرا نباید به همه‌ی سینمای قبل از انقلاب نسبت داد، چون در آن زمان هم فیلم‌های خوب ساخته می‌شد، از جمله فیلم گاو که امام راحل (ره) از آن تعریف کرد، با اینکه فیلمنامه‌ی آن بر اساس داستانی از یک شخص بی‌بودن بود!

شما مجازید نظر خودتان را اظهار کنید، ولی حق ندارید قلم مردم شوید و به جای آنها قضاوت کنید، شما چگونه دانستید که به آگاهی‌اش شعور مردم ایران اهانت شده؟ نقد شما از این باب غیر منطقی است و احساس به جای عقل حکم می‌کند!

من از کودکی با سینما ارتباط داشته‌ام، فیلم‌های خارجی و اکثر فیلم‌های ایرانی قبل از انقلاب را دیده‌ام، نظرم راجع به سینما و تأثیر فیلم قیصر، این است که از مقاله‌ی آورده‌ام، شما هم نظر خودتان را بنویسید، قضاوت را به عهده‌ی مردم آگاه و شعور ایران بگذارید!

از اینکه احساس مسئولیت کردی و نقد نوشتی، خوشحالم، اگر روی بقیه‌ی مطالب، یعنی از قسمت نهم تا پانزدهم، ایرادی هست بنویسید، در حد توان پاسخ می‌دهم، در ضمن، من کارشناس رسمی روزنامه‌ی طلوع نیستم، بلکه دوست آقای جعفری زاده و همکار افتخاری روزنامه‌ام.

محمد رحیمی

غیربهداشتی تهیه می‌شود و در بسته بندی‌های آلومینیومی و کوچک مانند (ساق، نمک‌های رستورانی) یا با عکس هنرپیشه‌های هندی، پاکستانی وارد می‌شود. این ماده که در واقع ترکیبی شبیه همان ماده مخدر معروف به ناس را دارد تا چند سال قبل در بسته‌های پلاستیکی به رنگ سبز تیره (شبیه حنا) وارد ایران می‌شد

**ترکیبات پان پراگ چیست؟**

پان پراگ از ترکیب تنباکو، آهک، خاکستر، ادویه‌های معطر، ساخارین و افزودنی‌های غیرمجاز خوراکی بسیار خطرناک مانند آرسنیک، کربنات منیزیم

**راه‌های مقابله با پیری و کهنسالی**  
(آوارضای فتوحی)

دوران سالخوردگی و کهنسالی از ناسازترین تجربیاتی است که



گریبانگیر همه انسان‌ها می‌شود این دوران به دلیل ضعف فیزیکی و از بین رفتن یک رشته توانایی‌ها ناخودآگاه ضعف روحی و روانی را به دنبال دارد. شخص احساس می‌کند که توان انجام کارهایی را که قبلاً انجام می‌داده را ندارد و با قدرتش کمتر شده است. این روند طبیعی زندگی است. اما بعضی اشخاص پس از بازنشستگی و یا رسیدن به دوران پیری خیلی سریع تسلیم محض این سال‌ها شده و به اصطلاح در دنیا را به روی خود می‌بندند و خود را در خانه محبوس می‌کنند از رسانه‌ها، فضای سبز، پارک‌ها، مساجد، انجمن‌ها، دیدار دوستان و ... بی‌بهره می‌شوند و به تغذیه خوداهمیت نمی‌دهند در انجام بسیاری از کارها که می‌توانند کوتاهی می‌کنند. این طرز تفکر و برخورد با این دوران باعث می‌شود که بیماری (illness)، کم‌حافظه‌ای و بستری شدن را به دنبال داشته باشد و به ناچار کهنسالی زودتر خود را نشان می‌دهد. لذا این افراد زندگی را برای خود و اطرافیان بسیار سخت و توان فرسا می‌کنند و انگار فقط منتظر مرگ اند.

چگونه می‌باید با این پدیده مقابله کرد؟ ابتدا باید افراد این دوران را بپذیرند و با استفاده از تغذیه خوب و کافی، استفاده از روزنامه‌ها، رادیو، تلویزیون، استفاده از فضای سبز و پارک‌ها، شرکت در انجمن‌هایی که دوست دارند، ارتباط و تعامل با خویشان و دوستان، پیاده‌روی، دادن مسئولیت به آنان و احساس مسئولیت از ناحیه آنها، انجام بعضی از کارهای گذشته، داشتن روحیه شاد و جسم سالم همه و همه به او قدرت رویا رویی با سالخوردگی را می‌دهد و به این زودی‌ها تسلیم نمی‌شود.

به عبارت دیگر اگر چه از نظر سنی پیر و سالخورده است ولی چون احساس می‌کند بی‌بودن، احساس مسئولیت کردن، احساس توانایی در او هنوز بیدار است و هنوز در تعامل با دیگران است و روح و دانش سالم است به نظر نمی‌آید که خیلی پیر شده باشد. بنابراین بیا باید یاد بگیریم که با سلامندان و سالخوردگان و کهنسالان چگونه رفتار کنیم و چگونه سالمندی توانا و مفید برای خود و جامعه باشیم.

**روی استاندارد! ...**  
منوچهر حبیبی

چندی پیش شهروندی را دیدم که خیلی دلخور بود و گفت درباره روی بنویس، به او گفتم منظور شما ظروف روی است. گفت: بلی! یک هفته قبل یک دیگ روی خریدم ولی الان سوراخ شده است.



از صحبت‌هایش خیلی تعجب نکردم چرا که با چندین مورد دیگر شبیه این نامرغوبی کالا برخورد کرده‌ام. درست است روی با علامت اختصاری zn جز فلزات است، درست است که قبل از ساخت ظروف پلاستیکی ظروف روی و گلی و سفال برای سال‌ها هم‌نشین خانه‌ها بودند اما این روزها آهن که یکی از محکم‌ترین فلزات است هم درست ما ایرانی‌ها دوام نمی‌آورد و

سر نشینان خود رو فوت کرده اند. البته در کشور ما همیشه خطای انسانی هنگام رانندگی و یا مواردی همچون لغزندگی و جاده فرصت نمی‌دهند که به مواردی همچون غیر استاندارد بودن کالا و قطعه توجه شود

حالا می‌بینید که ما مردم خیلی حق و حقوق داریم حق و حقوقی که برخی با نادیده گرفتن آن صاحب ثروت‌های کلان شده‌اند که اگر بخواهند خسارت آسیب‌هایی را که به مردم می‌زند بپردازند و رشکسته می‌شوند و آن خسارتها ناشی از ساخت جنس نامرغوب و استفاده از مواد اولیه‌ی غیر استاندارد است. از ساخت دارو که این روزها جز شباهتی به قرص و کپسول ندارند تا ساخت خودرو. خلاصه از سوزن خیاطی تا جان آدمیزاد این روزها باید با کیفیت و مرغوبیت باشد اما کو؟ آن نظارت تا حالا شده کیفیت شیر تولیدی و یا محصول کشاورزی را اندازه بگیرند و در صورت نامرغوب بودن جلوی توزیع آن را بگیرند. اگر شما دیدید بنده هم دیده‌ام اما بر گردیم به روی (zn) روی باید روی استاندارد باشد یعنی آلیاژ استاندارد داشته باشد تا پس از یک هفته خود به خود سوراخ نشود و شما باید قادر باشید از مغازه یا تولیدکننده طلب خسارت کنید اما از این فرهنگ خبری نیست. چرا از فرهنگ حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خبری نیست.

این دقیقاً همان چیزی است که ما به آن نیاز داریم از نظر قانونی چنین حقی برای تک‌تک مردم در نظر گرفته شده حالا بسیاری از مردم از آن بی‌خبرند به خاطر این است که ما خیلی تند و سریع از کنار مشکلات و معضلات می‌گذریم.

اصلاً ما برای خودمان وقت نمی‌گذاریم آنقدر گرفتار روزمرگی شده‌ایم که نمی‌دانیم در روز چند نفر بر اثر آلودگی‌های جنس و مواد نامرغوب تلف می‌شوند یا آسیب می‌بینند. استاندارد در زندگی ما و رعایت توجه به آن مثل تعویض در مسابقات فوتبال می‌ماند که وقتی بازیکنان می‌خواهند وارد زمین شوند باید پیراهن هایشان داخل شورت‌شان باشد ولی هنوز چند قدمی داخل خوب، ساخت و تولید حرفه‌ای و کارشناسانه و توزیع مجاز و مطمئن که پاسخگو باشد. حالا ببینیم ما کجا می‌رویم و استانداردها کجا است. ما حتی روی خط استاندارد هم نیستیم ای کاش فقط روی خط استاندارد بودیم آن وقت متوجه می‌شدیم که چقدر جنس و کالا و خدمات در صرفه‌جویی مقرون صرفه‌تر از صرفه‌جویی در آب و برق و گاز و ... است که بیش از اسراف مردم بابت قطعه‌های غیر استاندارد هدر می‌روند.